

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: چه ضرورتی در تحقیق از مذهب و اعتقادات وجود دارد؟ (2)

(برنامه حبل المتین 15/04/1399)

فهرست مطالب این سخنرانی:

پیشینه و فرجام ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

چالشی عجیب برای اهل سنت به نام "خلفای اثنی عشر"

پیامبر اکرم در لحظات آخر عمر چه میخواست بنویسد؟

اهلبیت پیامبر، مسیر توحید حقیقی

تماس بینندگان برنامه

حدیثی صحیح از پیشگوئی عجیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

بزرگان شیعه، صددرصد با این کتاب مخالف هستند!

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صلی علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم

با سلام و درود بر روان پاک پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و خاندان مطهر ایشان بخصوص آقا امام زمان، خدمت شما همراهان گرامی، خواهران و برادران بیننده و شنونده و کسانی که بعداً برنامه‌ها را می‌بینند، عرض سلام و ادب و احترام دارم، به برنامه خودتان «حبل المتین» خیلی خوش آمدید.

از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در خدمت شما هستیم و ان شاء الله از بیانات استاد گرانقدر حضرت آیت الله دکتر «حسینی قزوینی» بهره‌مند خواهیم شد.

من به نمایندگی از طرف شما و از طرف خودم خدمت حضرت استاد عرض سلام و ادب و خوش آمد دارم. استاد! سلام علیکم خیلی خوش آمدید به برنامه خودتان.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. بنده هم خدمت حضرت تعالی و همه بینندگان عزیز و کسانی که تکرار برنامه یا کلیپ‌های این برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم. از خدای منان توفیق روز افزون را برای همه عزیزان آرزومندم.

### مجری:

خیلی خوش آمدید، ان شاء الله که در کمال صحت و عافیت باشید و ما از خداوند متعال توفیق روز افزون را برای شما و برای همه بینندگان مسئلت داریم.

حضرت استاد در دو جلسه قبل مباحث مهمی را شما در خصوص ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) مطرح فرمودید؛ خصوصاً بحث جلسه قبل خیلی بحث مهمی بود که انسان لازم است برود عقاید و اعتقادات خود را با عقل و تحقیق بررسی کند و ضرورت این تحقیق را چه از نظر عقلانی و چه از نظر حدیث، همه را بیان فرمودید.

شما یک بحث مهمی را هم در خصوص پیشینه بحث ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) مطرح کردید و این که قبل از او چه اتفاقاتی افتاد، جلسه قبل هم ما می‌خواستیم این را تکمیل کنیم ولی به خاطر تماس‌ها موفق نشدیم که از حضرت تعالی استفاده کنیم. در خدمت شما هستیم و از بیانات شما استفاده می‌کنیم.

## آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين وهو خير ناصر ومعين الحمد لله  
والصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء  
الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدایا عاجز هستیم از این نعمتی که در حق ما ادا کردی، کرم و بزرگواری کردی، ما را با ولایت  
اهلبیت آشنا کردی. و از مولایمان بقیة الله الاعظم تشکر می‌کنیم که این عنایت و بزرگواری‌ها را در حق ما  
نمود و ما را از امت محمد و از شیعیان امیرالمؤمنین و اهلبیت عصمت و طهارت قرار داد و ما جزء فرقه  
ناجیه شدیم.

ما شک و شبهه‌ای در حقانیت مذهب شیعه نداریم. ضمن این‌که ما به تمام اهل سنت و عقائد آن‌ها و دیگر  
فرق اسلامی و تابعین ادیان ابراهیمی احترام می‌گذاریم و با همه احترامی که ما داریم بحث‌های مان را  
مطرح می‌کنیم و ادله خودمان را بیان می‌کنیم که فردای قیامت آقایان نگویند حق به گوش ما نرسید.  
هدف اصلی ما همان تعبیری است که قرآن دارد:

**(فَاتَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ)**

نگران مباش! زیرا بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است

**سوره آل عمران (3): آیه 20**

به پیغمبر اکرم فرمود وظیفه تو ابلاغ است؛ انتخاب به عهده طرف مقابل است و هدایت هم از طرف خدا  
است. ما هر چه باشیم خاک زیر پای رسول اکرم نه، حتی «قنبر» حضرت امیر (سلام الله علیه) هم نخواهیم  
شد.

خداوند به رسول اکرم می‌فرماید:

**(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)**

تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند؛  
و او به هدایت یافتگان آگاهتر است!

سوره قصص (28): آیه 56

فرمود تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی، و کسانی را که دوست نداری هدایت نکنی.  
هدایت دست خدای عالم است. نور هدایت دست خدای عالم است که برای هر کسی خواست در این دنیا  
کرم می‌کند.

من بارها گفتم اگر خدای عالم به ما از اول تا آخر دنیا عمر بدهد، همه عمرمان را در یک سجده شکر به  
خاطر نعمت ولایت اهل بیت انجام بدهیم باز حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

به تعبیر آقا امام صادق (سلام الله علیه) خداوند به خاطر حکمتش روی خیلی از حقایق سرپوش گذاشته  
است. در آن لحظه آخر انتقال ما به دنیای آخرت - می‌گویند جوجه را آخر پاییز می‌شمارند - آن‌جا مشخص  
می‌شود که واقعاً حق کجا بود و چه کسی مُحق بوده و چه کسی باطل بوده است!

پیشینه و فرجام ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرض کردیم که بحث ولایت علی، ربطی به آغاز ولایت به  
غدیر، حدیث منزلت، یا به حدیث ولایت ندارد. حدیث ولایت علی مربوط به قبل از خلقت حضرت امیر و  
قبل از خلقت رسول اکرم است.

ما از منابع اهل سنت هم نقل کردیم، نه فقط از منابع شیعه، که در ذل آیه شریفه 45 سوره زخرف که فرمود:

(وَإِسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس!

سوره زخرف (43): آیه 45

پیغمبر از پیامبران گذشته سوال کن! عرض کردیم رسول اکرم حداقل 500 یا 600 سال با حضرت عیسی که آخرین پیغمبر قبل از خودش است فاصله دارد، لذا مشخص است این مربوط به عالم بالا است.

خیلی از محدثین و روایات ما و روایات اهل سنت اشاره دارند که این مربوط به معراج است، وقتی از انبیاء سوال کرد که:

«علی ما بعثوا؟»

هدف رسالت شما چه بود؟

همه جواب دادند:

«علی ولایتک و ولایة علی بن ابی طالب»

ما بر ولایت تو و ولایت علی ابن ابیطالب مبعوث شدیم!

تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال؛ اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی الوفاة: 571، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995 ، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمري، ج42، ص241

در کتاب «تاریخ دمشق»، جلد 42، صفحه 241، «تفسیر ثعلبی» نه «ثعلبی»، جلد 8 صفحه 338 و همچنین «خوارزمی» در «مناقبش» و... این قضایا را نقل کردند و کاملاً واضح و روشن است، اینها را ما مطرح کردیم.

از شیعه هم گفتیم که آقا امام کاظم (سلام الله علیه) می فرماید:

«وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ»

ولایت علی در تمام صحف انبیاء نوشته شده

«وَلَنْ يَنْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَّلَايَةِ وَصِيِّهِ عَلِيٍّ (عليه السلام)»

هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر به نبوت رسول اکرم و وصی او.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح:

کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ج 1، ص 72، 8 باب ما

خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم، ج 1

سند روایت هم کاملاً صحیح است. این قضیه پیشینه ولایت.

اما فرجام و نتیجه ولایت! ما می بینیم بر این که روایات متعددی در این زمینه در کتب شیعه و اهل سنت

داریم؛ فرمود:

**«فَوَاللَّهِ مَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ»**

خدای عالم از عباد جز آنچه که ما شیعیان عقیده داریم جز این کسی را نمی پذیرد!

دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام؛ ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی،

محقق / مصحح: فیضی، آصف، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 1، ص 74

آقای «آلوسی» که به تعبیر مترجمین و شرح حال نویسان، سلفی العقیده است؛ ایشان در کتاب «روح

المعانی»، جلد 23، صفحه 80 در ذیل آیه شریفه:

**(وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)**

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!

سوره صافات (37): آیه 24

می گوید: در قیامت از عقائد سوال می کنند؛

«ومن أجله ولاية علي كرم الله تعالى وجهه»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين  
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 23،  
ص 80

می گوید رأس عقائد که فردای قیامت از همه سوال می کنند، ولایت امیرالمؤمنین است. این سؤال هم فقط  
مال شیعه نیست، مال کل خلائق است. «وَقَفُوهُمْ» یعنی همه را نگه دارید تا مورد پرسش قرار بگیرند.

از چه می پرسند؟ از عقائد سوال می کنند که در رأسش توحید است، «وَمِنْ أَجَلِّهِ» و من أَجَلِّ این عقائد یا  
«وَمِنْ أَجَلِّهِ» به خاطر همین از ولایت علی (سلام الله علیه) سوال می کنند.

«ابن حجر هیثمی» در کتاب «الصواعق المحرقة» که کتابی است که در رد شیعه نوشته در ذیل آیه 24  
سوره صافات: (وَقَفُوهُمْ إِنِّهُمْ مَسْئُولُونَ) می گوید که پیغمبر فرمود:

«(وقفوهم إنهم مسؤولون) عن ولاية علي»

در روایت بعدی در همین صفحه می گوید:

«أي عن ولاية علي وأهل البيت»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة؛ اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن  
علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: 973هـ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م،  
الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 437

آن پیشینه ولایت است، این هم نتیجه و فرجام ولایت است. این طوری نیست ما یک پیشینه داریم و يك  
فرجامی داریم. در وسط مثل یک رساله ارشد و دکترا کسی می نویسد یک پیشینه برای او می نویسد بعد  
می آید بعد از این که رساله تمام شد کارها و تحقیقات و بررسی هایش را کرد، در پایان یک خلاصه و نتیجه  
می گیرد.

ما قبل را مطرح کردیم پیشینه ولایت این است، فرجام ولایت هم این است. هم شیعه و هم سنی این را دارند.

فعلاً ما در وسط هستیم؛ مشغول نوشتن رساله‌مان هستیم و داریم تلاش می‌کنیم کاری بکنیم که این کار ما با پیشینه و با فرجام منطبق باشد.

ما باید چه کار بکنیم؟ سراغ چه کسی برویم؟ کجا برویم؟ من که می‌خواهم صبح بلند بشوم نماز بخوانم، وضو بگیرم، آیا این وضوی من، همان وضویی است که منطبق بر آن پیشینه و فرجام است؟ نماز من منطبق بر آن پیشینه و فرجام است؟ روزه و حج من و... منطبق با آن پیشینه و فرجام است؟

یا نه، وقتی ما یک پیشینه‌ای درست می‌کنیم، یک موضوعی برای رساله و اعمال‌مان انجام دادیم در این دنیا که مشغول کار و تحقیق هستیم، اصلاً دنبال یک بحث دیگری هستیم، وقتی به جلسه داوری می‌رود داور، اولین اشکالش از ما این است که این نه با پیشینه می‌سازد نه با فرجام می‌سازد؟

آیا علی ابن ابیطالب این‌طوری وضو می‌گرفت؟ علی این‌طور نماز می‌خواند؟ علی این‌طور روزه می‌گرفت؟ علی این‌طور واجبات را انجام می‌داد؟ این خیلی مهم است که ما باید یک مقداری دقت کنیم.

یا باز جناب آقای «قرطبی» متوفای 671 در ذیل آیه شریفه 71 سوره اسراء:

**(يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ)**

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم!

**سوره اسراء (17): آیه 71**

که فرمود هر قومی با امام‌شان محشور می‌شوند و هر قومی حساب و کتابش با امام زمانش است؛ ایشان می‌گوید:

**«وقال علي رضي الله عنه بإمام عصرهم»**



الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار

النشر: دار الشعب - القاهرة، ج10، ص297

(يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ)؛ تمام مردم را فردای قیامت با امام عصرشان دعوت می‌کنیم پای محاکمه یا پای دفاعیه از رساله و اعمال‌شان بیابند.

ما از غیر شیعه امامیه سوال می‌کنیم؛ البته ما کاری با ادیان و مذاهب دیگر نداریم، آیا امام عصر شما چه کسی است؟ امام عصر شما که فردای قیامت طبق آیه قرآن است این را که ما نیاوردیم. این عبارت آقای امام «قرطبی» است و تفسیرش هم عصاره تفسیر شش قرن اول صدر اسلام است.

ایشان در جلد 10، صفحه 297 از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که فرمود:

**«ندعو كل أناس بإمامهم ای امام عصرهم»**

این خیلی مهم است. همچنین آقای «آلوسی» که سلفی العقیده است در کتاب «روح المعانی» جلد 15، در ذیل این همین آیه (يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ) می‌گوید:

**«عن علي كرم الله تعالى وجهه قال: قال رسول الله في الآية: يدعى كل قوم بإمام زمانهم وكتاب ربهم  
وسنة نبیهم»**

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين  
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج  
15، ص120

فردای قیامت ببینیم امام زمان‌مان چه کسی است؟ آیا این آقایانی که می‌گویند مراد از «اولی الامر» حاکم است، مردم «عربستان سعودی» فردا با «ملک سلمان» یا «محمد» یا آن‌هایی که در «آمریکا» هستند با آقای «ترامپ» می‌خواهند محشور بشوند؟ یا نه، این روایات متعددی که از اهل سنت و شیعه داریم، تکلیف را روشن کرده است.

## چالشی عجیب برای اهل سنت به نام "خلفای اثنی عشر"

ما آمار گرفتیم روایاتی که شیعه و سنی نقل کرده اند در رابطه با این که پیامبر فرمود خلفاء بعد از من، دوازده نفر هستند یا به صورت اجمالی، بعد از من دوازده خلیفه خواهد آمد که در بعضی از روایات دارد:

«اولهم علی ابن ابی طالب و آخرهم مهدی»

این که آخر این دوازده نفر، مهدی است همه اعتراف دارند، حضرت مهدی جزء همان خلفای دوازده گانه است که پیغمبر بشارت داده است.

ما بررسی کردیم تقریباً بالای 300 روایت در کتب شیعه و سنی در رابطه با این که پیغمبر فرمود ائمه و خلفاء بعد از من دوازده نفر هستند نه کمتر، نه بیشتر، پیدا کردیم.

شما ببینید آقای «ابن حجر عسقلانی» که از استوانه‌های اهل سنت است در کتاب «شرح صحیح بخاری» جلد 13، صفحه 181، 183 دنبال این می‌گردد که این دوازده خلیفه چه کسانی هستند؟

مدام می‌گوید خلیفه اول آقای ابوبکر است، دوم عمر است سوم عثمان است، چهارم علی است پنجم امام حسن که پنج سال خلافت کرده بعد از آن «معاویه» و «یزید» را می‌آورد، «یزیدی» که قاتل امام حسین فرزند پیغمبر است خلیفه پیغمبر شده!!

بعد از آن می‌گوید «عمر ابن عبدالعزیز» هم آدم خوبی بود آن را هم قرض کنیم و بیاوریم به این جمع اضافه کنیم. آخر به این نتیجه می‌رسد می‌گوید بزرگان ما مثل «ابن بطال»، «ابن جوزی»، «ابن عربی ناصبی» نه «ابن عربی صوفی» همه گفتند ما معنای این روایت را نفهمیدیم، نمی‌دانیم که پیغمبر فرمود خلفای بعد از من دوازده نفر هستند یعنی چه!!

اگر ما هیچ چیزی برای حقانیت مذهبمان غیر از قضیه خلفای اثنی عشر نداشته باشیم همین برای ما کافی است، نیازی به هیچ چیزی نداریم. نه به آیه ولایت، نه به آیه اکمال، نه به آیه ابلاغ، نه حدیث غدیر و... همین را ما از «صحاح» اهل سنت بیاوریم و بررسی بکنیم ببینیم نتیجه چه می‌گیریم؟

همین را در رساله‌مان بنویسیم که متناسب با آن پیشینه و فرجام ما باشد، همین روایت برای ما کافی است. نیازی به چیز دیگری نداریم.

من از جوان‌های اهل سنت تقاضا دارم یک مقداری تعصبات باطل را کنار بگذارند، حتی به جوان‌های شیعه می‌گوییم بروید تحقیق و بررسی کنید، شاید مذهب دیگر حق بوده بروید از آن‌ها سوال کنید ببینید قضیه چه بوده؟ قضیه خلفای اثنی عشر یک قضیه کوچکی نیست.

**مجری:**

همین که فرمودید بسیاری از علمای بقیه مذاهب تلاش کردند این دوازده نفر را پیدا کنند، ولی نتوانستند پیدا کنند این خودش چالش مهمی است که یک انگیزه ایجاد بشود که حداقل بروند و تحقیق کنند واقعاً ببینند تنها مذهبی که دوازده خلیفه پیامبر در آن مشخص است همین مذهب اثنی عشری است.

**آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:**

بله. الان اگر دوستان تصویر مانتیور من را نشان بدهند شما ببینید پیغمبر فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص1452، ح1821

تا قیام قیامت مادامی که دین محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) برقرار است این دوازده خلیفه هست و  
بس!

این‌که آقایان مطرح می‌کنند و می‌گویند:

« کَلِّمُوا مَنْ قُرْبَيْشِ، كَلِّمُوا مَنْ بَنِي هَاشِمٍ »

و بحث‌های دیگری که مطرح می‌کنند این‌ها کاملاً واضح و روشن است که این قضیه با آن پیشینه و با آن فرجام باید یک تطبیقی داشته باشد.

### مجری:

قیدهای هم که داخل همین حدیث است ما از خود حضرتعالی بسیار شنیدیم و آموختیم این‌که دین، بر این‌ها عزیز است، دین بر این‌ها پایدار است و می‌ماند.

آن خلفائی که برخی از آن‌ها می‌شمارند اصلاً ذلت این امت در سیره آن‌ها بسیار هویدا است، چگونه برداشتید آن‌ها را در این زنجیر دوازده حلقه‌ای ما قرار دادید و می‌خواهید همان بیان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) منطبق باشد.

یعنی اگر خدای نکرده آن حرفی که می‌گوید ما نمی‌دانیم پیامبر چه فرموده؛ یک جور عیبی بر پیامبر العیاذ بالله است که پیامبر وظیفه‌اش را به درستی انجام نداده باشد و این خیلی حرف بزرگ و گستاخانه می‌شود.

### آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، کاملاً واضح و روشن است. من گمان نمی‌کنم کوچک‌ترین کوتاهی رسول اکرم انجام داده باشد.

### پیامبر اکرم در لحظات آخر عمر چه می‌خواست بنویسد!؟

شما در رابطه با حدیث قرطاس ببینید، من نمی‌خواستم خیلی در این فاز وارد بشوم؛ چون حضرتعالی مطرح فرمودید من دیگر ناگزیر هستم این را عرض کنم. در کتاب «صحیح بخاری» است که پیغمبر آخرین لحظه‌ای که می‌خواهد از دنیا برود می‌گوید:

«اَتُّونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا»

...چیزی بنویسم که هرگز شما گمراه نشوید!

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256  
، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق : د. مصطفى  
ديب البغا، ج3، ص 1111، ح 2888

ولی متأسفانه نگذاشتند بنویسند؛ من کاری با این ندارم و جالب این است که در «مسند احمد» جلد 1،  
صفحه 293 نقل می کند که پیغمبر فرمود:

«أَكْتَبَ لَكُمْ فِيهِ كِتَابًا لَا يَخْتَلِفُ مِنْكُمْ رَجُلَانِ بَعْدِي»

چیزی بنویسم اگر به این نوشته من عمل کردید دو نفر بعد از من دچار اختلاف نشوند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار  
النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج1، ص293، ح 2676

چرا نگذاشتند بنویسد؟ پیغمبر چه میخواست بنویسد؟ میخواست بنویسد نماز بخوانید؟ مردم که نماز  
میخواندند. روزه بگیرید، حج بروید، جهاد بروید، چه چیزی میخواست بنویسد؟

دوستان عزیز، بزرگواران! من از خودم نمیگویم، شما ببینید در کتاب «عمدة القاری شرح صحیح بخاری»  
تألیف «بدر الدین عینی» متوفای 855؛ ایشان از «سفیان ابن عیینه» که امیر المؤمنین در حدیث است نقل  
می کند که گفت:

«أَرَادَ أَنْ يَنْصَ عَلَى أَسَامِيِ الْخُلَفَاءِ بَعْدَهُ حَتَّى لَا يَقَعَ مِنْهُمْ الْاِخْتِلَافُ»

پیغمبر میخواست نام همه خلفا را بنویسد تا بین مسلمین اختلافی ایجاد نشود.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري؛ اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: 855هـ  
دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج2، ص171

این عبارت «کلینی» و «شیخ طوسی» و دیگران نیست! یا دارد:

«أراد أن ينص على الإمامة بعده»

عمدة القاري شرح صحيح البخاري؛ اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: 855هـ

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج2، ص171

«ابن حجر عسقلاني» هم در «فتح الباری» همین تعبیر را دارد و می‌گوید:

« بل أراد أن ينص على أسامي الخلفاء بعده حتى لا يقع بينهم الاختلاف »

پیغمبر می‌خواست اسامی خلفای بعد از خودش را بنویسد تا اختلافی نباشد.

فتح الباري شرح صحيح البخاري؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني

الشافعي الوفاة: 852 ، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج1، ص

209

«قسطلانی» از شارحین «صحيح بخاری» است ایشان هم همین تعبیر را دارد:

«فيه النص على الأئمة بعدي»

خواست نام امامان بعد از خودش را بنویسد.

إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري؛ المؤلف: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني

القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: 923هـ)؛ الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية،

مصر، ج1، ص207

«احمد امين مصرى» که آدم آزاد منش و سنی هم است و «الأزهرى» است در کتاب «يوم الاسلام» خودش

صفحه 29 و در برخی چاپ ها صفحه 41 می‌گوید:

«قد أراد الرسول في مرضه الذى مات فيه أن يعين من يلى الأمر من بعده»

يوم الاسلام؛ احمد امين مصرى، مؤسسة هنداوي للتعليم والثقافة، مدينة نصر ١١٤٧١، القاهرة

جمهورية مصر العربية؛ ص 29

چقدر این‌ها باید در ذهن آدم تلنگری باشد و بیدارش کند!!

من واقعا یادم نمی‌رود در «آلمان» در جمع بعضی از بزرگواران بودیم، یکی از پزشکان که فوق تخصص هم دارد گفت: "فلانی! این بحث‌هایی را که شما داشتید شنیدیم؛ نمی‌دانستیم حقانیت مذهب ما در کتب عزیزان اهل سنت هم آمده. ما بی‌خبر بودیم! ما شیعه شناسنامه‌ای بودیم ولی با این بحث‌ها، امروز داریم به شیعه بودن مان افتخار می‌کنیم."

لذا ما یک پیشینه درست کردیم و یک فرجام درست کردیم و دو سه تا سرفصل در این وسط معرفی کردیم. آقا این سرفصل‌ها را بروید مطالعه و بررسی کنید ببینید به چه نتیجه‌ای می‌رسید!

**مجری:**

حاج آقا يك میان برنامه بشنویم و يك استراحتی داشته باشیم و بینندگان محترم هم استراحتی داشته باشند بعد ان شاء الله در خدمت حضرتعالی و همراهان عزیزمان هستیم.

**(میان برنامه)**

**مجری:**

عرض سلام مجدد خدمت شما خواهران و برادران گرامی، عزیزان و همراهان «شبه جهانی حضرت ولی عصر» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچنان این افتخار را داریم که در خدمت شما عزیزان باشیم و از محضر کارشناس محترم حضرت آیت‌الله «دکتر حسینی قزوینی» ان شاء الله بهرمنند بشویم.

پل‌های ارتباطی ما با شما زیر نویس شده، شما می‌توانید از راه‌های معرفی شده با ما ارتباط بگیرید سوالاتان را مطرح کنید و چنانچه به نکته خاصی می‌خواهید اشاره کنید بفرمایید ان شاء الله حضرت استاد پاسخگو خواهند بود.

حاج آقا بحث مهمی مطرح شد این که ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک پیشینه‌ای دارد و يك فرجامی دارد و این که این وسط طبق آن روایت‌هایی که در نزد همه مسلمان‌ها متفق علیه هست، دوازده خلیفه قرار دارند.

حال سؤال این است که چه لزومی دارد که این مرجعیت و این علوم و این مباحث و عقائد از طریق دوازده امام معصوم ما و ائمه اطهار گرفته بشود و چرا فقط آن‌ها راه رسیدن به آن نتیجه و فرجام هستند؟

### آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این موضوع، ما بحث زیاد خواهیم کرد. اگر جواب حضرتعالی را من بخواهم بدهم حداقل 40 جلسه 1 ساعته وقت می‌خواهد تا من به این سؤال جواب بدهم که چرا ما باید معارفمان را در این وسط، سرفصل‌هایمان را برویم از اهل بیت بگیریم؟

من فقط به یکی از این‌ها اشاره می‌کنم و بعد اگر تلفن و ارتباط بود در خدمت بینندگان هستم. من در جلسه اول عرض کردم الان در ذهنم نیست گفتم یا نه، روایت داریم که فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ»

اسلام روی پنج رکن استوار است نماز، زکات، روزه، حج و ولایت!

«و لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

هیچ کدام از این‌ها مثل ولایت دارای اهمیت نیستند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 2، ص 18، بَابُ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ، ح 1

حضرت می‌فرماید متأسفانه مردم آن چهار تا را گرفتند، ولی ولایت را رها کردند. البته اهل سنت هم این تعبیر را دارند و فقط در کتب ما نیست.



## اهلیت پیامبر، مسیر توحید حقیقی

روایت دیگری که من می‌خواهم امشب یک مقداری بیشتر رویش کار کنم که چرا ولایت اهمیت دارد؛ در «کافی» جلد 2، صفحه 18 چندین روایت در این زمینه آمده می‌گوید چرا ولایت از همه افضل است. می‌گوید:

«لَأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ»

ولایت کلید ورود به نماز، روزه و زکات است.

یعنی اگر من بخواهم فریضه نماز را انجام بدهم، باید بینم این نماز من نمازی است که اهل بیت گفته‌اند، یا نه، کسانی که بهره‌ای از اسلام نداشتند اینگونه نماز را ترویج کردند!!

یا به تعبیر «صحیح بخاری» آن‌هایی که شغل‌شان فقط در بازار کاسبی بوده یا در بیابان مشغول زراعت بودند و احادیث پیغمبر را نشنیده بودند و بعد آمدند ادعا کردند؟! این‌ها خیلی راه است.

«وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ»

صاحب ولایت بر این احکام دلالت و راهنمای می‌کند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج2، ص18، بَابُ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ، ح5

پیغمبر که فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج2، ص226

ملاک این دو تا است: کتاب و اهل بیت. سنت را هم ما بخواهیم بگیریم باید سراغ اهل بیت برویم. این يك روايت.

روایت دیگری که من می‌خواهم قدری درباره آن صحبت کنم در «کافی» جلد 1، صفحه 145 از امام باقر (سلام الله علیه) است که فرمود:

«بِنَا عُبِدَ اللَّهُ...»

بواسطه ما، خداوند عبادت می شود...

این مهم است. دیگر بحث نماز و روزه و زکات نیست، ما نماز برای چه کسی می‌خوانیم؟ برای خدا. اول باید خدا را من بشناسم، بعد بروم او را عبادت کنم.

و اینکه روزه می‌گیرم قربۀ الی الله آیا خدا را شناخته‌ام یا نشناخته‌ام؟ این یک نکته خوبی است بعضی از جوان‌ها چه شیعه چه سنی بروند بحث کنند ببینند این نمازی که من می‌خوانم و می‌گویم یا الله (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

ببینم خدا را من تا چقدر شناختم؟ شناخت من از خدا با قرآن و اهل بیت چقدر تطبیق دارد؟ لذا فرمود:

«بِنَا عُبِدَ اللَّهُ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا وُحِدَ اللَّهُ»

الكافي (ط - الإسلامية): نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الکتب الإسلامية،

محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 145، بَابُ التَّوَادِرِ، ح 10

اگر به وحدانیت خدا هم ما بخواهیم برسیم می‌گویید از کانال ما باید باشد نه از کانال دیگر.

«بِنَا عُبِدَ اللَّهُ»

عبادت خدا هم باید از کانال ما باشد.

من این جا دو تا نمونه می آورم. شما ببینید امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در «نهج البلاغه» وقتی می خواهد خدا را معرفی کند می فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِذْحَتَهُ الْقَائِلُونَ»

آن خدای که سخنوران هر چه بخواهند در فضیلت و صفات او سخن بگویند عاجز هستند.

نهج البلاغه (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 39

یعنی من (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) می گویم یعنی ای خدای که تمام سخنوران و تمام انبیاء از مدح تو عاجز هستند؛ یعنی مدح و مقام تو فراتر از عقل بشری است. همان تعبیر پیغمبر که فرمود:

«أَنْتَ كَمَا أَتَّيْنَتْ عَلَى نَفْسِكَ»

الكافي (ط - الإسلامية): نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الکتب الإسلامية،

محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 3، ص 324، ح 12

حضرت امیر در ادامه فرمود:

«وَأَلَّا يُخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ»

اگر کسی بخواهد نعمت های خدا را بشمارد قابل شمارش نیست.

تمام دنیا جمع بشوند، بهترین حسابگران دنیا جمع بشوند تا صبح با کامپیوتر حساب کنند، نعمت های خدا را نمی توانند بشمارند. همین نعمت هایی که خدای عالم در وجود ما قرار داده است. تا آن جایی که می گوید:

«الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَخْدُودٌ»

آن خدایی که صفتش حد و مرزی ندارد!

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /

مصحح: فیض الاسلام، ص 39

این دیگر اوج کلام حضرت است و بیت القصیر سخن علی این جا است. من تقاضا دارم عزیزان به این عرض من خوب دقت کنند و یادگاری از من داشته باشند. وقتی ما می‌گوییم:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

سوره فاتحه (1): آیه 2

تمام حمدها مال خدا است. یا می‌گوییم:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ)

(پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم

سوره فاتحه (1): آیه 5

می‌گوییم خدایا ما فقط تو را عبادت می‌کنیم. می‌گویند خدایی که صفت او حد و حدودی ندارد، مثلاً یک کسی کریم است افراد بروند می‌تواند به هر کدام پنجاه تومان بدهد، صد تومان یک کسی کریمش بالاتر است 100 هزار تومان می‌دهد یک کسی دیگر مثل «حاتم طائی» است هر روز بساطی پهن می‌کند هر کس آمد که آمد.

کرمها حد و حدودی دارد اگر همین «حاتم طائی» امروز برای هزار نفر غذا پخته باشد، هزار و پانصد نفر بیاید پانصد نفر گرسنه بر می‌گردند؛ ولی خدای عالم کریمش حد و حدودی ندارد.

من از عزیزان می‌خواهم یکی از چیزهایی که در دعا‌های‌شان حتماً بگویند این است که بگویند ای خدای که کرم‌ت حد و حدود و مرزی ندارد! من هر چه از خدا برای خودم می‌خواهم، هر حاجتی، بزرگ‌ترین حاجت را من بخوام حاجت من محدود است.

عقل من می‌گوید خانه و مقام و عزت می‌خواهم هر چه بخوام حضرت سلیمان هم می‌گوید:

**(وَهَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ)**

حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای!

**سوره ص (38): آیه 35**

گفت: مُلکی به من بده که به کسی ندادی، نمی‌گویند مُلکی به من بده مانند آن‌چه که تو داری، خیلی فرق می‌کند. اگر ما می‌گوییم:

**«يَا مَنْ لَيْسَ لِكْرَمِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ؛ يَا مَنْ لَيْسَ لِقُدْرَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ، لَيْسَ لِجُودِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ»**

ای خدایی که کرم و جودش حد و مرزی ندارد، حاجتم را بده! ای خدایی که عفو و بخشش حد و حدودی ندارد، من هر چه گناه و معصیت کردم خدایا گناهان من حد و حدودی دارد محدود است؛ ولی عفو تو که حد و حدودی ندارد، بخشش و مغفرت تو حد و حدودی ندارد، این گناهان محدود من را خدایا به آن عفو نامحدود ببخش. این حاجت و خواسته‌های من را با آن کرم نامحدود عنایت کن.

البته این را هم بگویم بین «کریم» و «جواد» یک فرقی است. خداوند هم کرمش نامحدود است، هم جودش! «کریم» آن است که هر کس در خانه‌اش برود نا امید بر نمی‌گردد، «جواد» آن است که خودش می‌رود محتاج‌ها را پیدا می‌کند تا به آن‌ها کرم کند.

فرق بین «کریم» و «جواد» این است که خود جواد دنبال مستمند و فقیر می‌گردد. اگر ما از خدای عالم بخواهیم می‌گوییم ای خدایی که جود و کرم‌ت حد و حدود ندارد، یک گدایی در خانه‌ات آمده؛ همان تعبیر

آقا امام سجاد (سلام الله علیه):

«عَبْدُكَ يَبَايِكَ أَقَامَتُهُ الْخَصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

خدایا بنده کوچکت در خانهات آمده، گرفتاریش باعث شده پشت در خانهات نشسته!

«يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ»

خدایا من دارم درب کرمت را دق الباب می‌کنم، درب عفوت را دق الباب می‌کنم.

مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق/ مصحح: ندارد،

ناشر: مؤسسه فقه الشیعة، ج2، ص 594

آنقدر کوبم در این خانه را / تا که بینم عفو صاحبخانه را.

این یک تعبیر است. امیرالمؤمنین در ادامه دارد که:

«وَلَا نَعْتُ مُوجُودٌ وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ»

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص39

این تعبیر، یک دنیا حرف دارد. خدایا! نگفتی من تا فلان روز کریم هستم، نگفتی کرم من مثلاً تا این اندازه است. مثل «حاتم طائی» می‌گفت من برای هزار نفر غذا می‌پزم.

نه، کرم تو حد و حدودی ندارد. وقت منقضی ندارد که من تا فلان روز کریم هستم بعد از فلان روز کرمم تمام می‌شود. این را توحید می‌گویند توحیدی که علی معرفی کند، توحیدی که امام صادق معرفی کند، این است.

من در این زمینه فقط یک جمله‌ای از «ابن تیمیه» می‌آورم. همین را بگویم. آن را از علی آوردیم این هم از وهابیت. دارد که (نستجیر بالله) پیغمبر می‌گوید:

«رَأَيْتَ رَبِّي فِي صُورَةِ شَابٍ أَمْرَدٍ لَهُ وَفِرَّةٌ جَعَدَ قَطَطٍ فِي رُوضَةِ خَضْرَاءٍ»

بيان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة، ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبد الحلیم (م  
728)، تحقیق: مجموعة من المحققین، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف الطبعة الأولى،  
1426هـ. ج 7، ص 198

می گوید من خدا را دیدم، دیدم خیلی جوان است. «امرد» یعنی: صورتش مو ندارد. «وفرة» یعنی خیلی  
شاداب است. «جعد ققط» یعنی موهایش خیلی فرفری و کوتاه است.

نصف شب سوار الاغ می شود، روی آسمان می آید از مردم می خواهد هر کس حاجتی دارد حاجتش را  
برآورده کنم.

البته در عبارت «صحيح بخاری» کلمه الاغ را ندارد؛ ولی می گوید خدا دو ثلثی از شب که می گذرد روی زمین  
می آید به مردم می گوید: مردم! هر کس حاجتی دارد من برآورده می کنم، گویا این که خدای عالم فقط زمین  
را آفریده آسمان ها و ... نیست. هنگام طلوع فجر هم خدا سوار الاغ می شود و بالا می رود.

این توحید وهابیت است، آن توحید امیر المؤمنین (سلام الله علیه) است. این که می گوید:

«بِنَا عُبْدَ اللَّهِ»

الكافي (ط - الإسلامية): نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الکتب الإسلامية،  
محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 145، بَابُ النَّوَادِرِ، ح 10

ما باید بیاییم خدا را برای شما معرفی کنیم وقتی می گوئیم:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ)

(پروردگارا!! تنها تو را می پرستیم)

سوره فاتحه (1): آیه 5

یعنی ای خدایی که صفت او، هیچ یک از صفت حد و حدود و مرز و وقت معینی ندارد نه این که با خدای که خودش احتیاج دارد سوار الاغ بشود می‌خواهد حاجت من را برآورده کند!!

## تماس بینندگان برنامه

مجری:

متشکرم، حاج آقا! من عذر خواهی می‌کنم، بحث، بحث مهمی است؛ ولی ان شاء الله سر فرصت تکمیل می‌کنیم. تماس تلفنی از «خوزستان» داریم آقای «بازلی» سلام علیکم!

بیننده (آقای بازلی - خوزستان):

سلام به مجری برنامه و حضرت آیت‌الله «قزوینی»! من یک سوال از خدمت شما داشتم، اما قبلش یک مقدمه‌ای بود که می‌خواستم مطرح کنم.

در روایات حول فضائل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتب اهل سنت بی‌شمار و خیلی زیاد است. من یک روایت را دیدم قبلاً هم پخش شده بود.

روایت این است که آقا رسول الله ابتدا درباره خلیفه اول و دوم می‌فرماید بعد درباره امیرالمؤمنین که می‌فرماید: «اگر امیر المؤمنین را انتخاب کنید که من نمی‌بینم انتخابش کنید او را هادی و مهدی می‌بینید، و او شما را به راه راست هدایت می‌کند اولاً این روایت، روایت صحیح است و برای اهل سنت حجت است. می‌خواستم ببینم این روایت برای ما هم صحیح است یا نه؟

چون اولش گفته ابوبکر زاهد در دنیا و راغب در آخرت است، عمر قوی و ... اما آنچه در کتب اهل سنت می‌بینیم این طور نیست، می‌خواستم ببینم این روایت برای ما صحیح هست یا نه؟ چون به اولی و دومی زیاد صحیح نمی‌آید باشد اما برای امیرالمؤمنین صحیح است.

حدیثی صحیح از پیشگوئی عجیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)



## آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان ببینند در مورد این روایاتی که آمده، من «مسند احمد ابن حنبل» را می‌آورم و نشان می‌دهم در جلد 1، صفحه 108، حدیث 859 می‌گوید سند هم صحیح است ما کاری با هیچ چیزش نداریم، گیرم روایت صد در صد صحیح است، بحث ما در مورد امیرالمؤمنین است.

راوی می‌پرسد:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ يُؤْمَرُ بَعْدَكَ»

چه کسی را می‌خواهی امیر و خلیفه قرار بدهی؟

«قال ان تُؤْمَرُوا أبا بَكْرٍ تَجِدُوهُ أَمِيناً زَاهِداً في الدُّنْيَا رَاغِباً في الآخِرَةِ وان تُؤْمَرُوا عُمَرَ تَجِدُوهُ قَوِيّاً أَمِيناً لا يَخَافُ في اللَّهِ لومه لأَيمٍ»

فرمود اگر ابابکر را انتخاب کنید امین و زاهد در دنیا است و راغب در آخرت است عمر را انتخاب کنید آدم قوی است...

«وان تُؤْمَرُوا عَلِيّاً وَلاَ أَرَأَكمُ فاعِلِينَ»

اگر علی را امیر قرار بدهید گرچه می‌دانم نمی‌کنید!

چه کار می‌کند؟

«تَجِدُوهُ هَادِيّاً مَهْدِيّاً»

انبیاء برای هدایت بشر آمدند نیامدند که زهد به مردم یاد بدهند، مردم قوی و امین باشند، آمدند مردم را هدایت کنند.

«يَأْخُذُ بِكُمْ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ»

اگر علی خلیفه باشد همه را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار

النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 1، ص 108، ح 859

در آن صراط مستقیم که مردم را هدایت می‌کند، هم زهد است، هم رغبت در آخرت است و هم امین بودن است، همه چیز در آن است.

آن‌ها یکی دو تا را دارند؛ ولی علی کل این‌ها را دارد. چون که صد آمد نود هم پیش ماست. خود این روایت کاملاً نشان می‌دهد بر این‌که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بخواهد خلیفه بشود چه می‌شود!

تعبیر مختلفی است، بحثی را که «ابو نعیم اصفهانی» در «حلیة اولیاء» در جلد اول دارد. در آن‌جا اصلاً بخش اول را ندارد و معلوم است که بعداً اضافه کردند. «حذیفه» می‌گوید مردم به پیامبر گفتند:

**«ألا تستخلف عليا قال: إن تولوا عليا تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق المستقيم»**

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهاني الوفاة: 430، دار

النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - 1405، الطبعة: الرابعة، ج 1، ص 64

انبیاء برای چه آمدند؟ مردم را به صراط مستقیم هدایت کنند، اولش هم نیست اسم ابوبکر و عمر در این‌جا نیست.

باز روایت دوم در همان صفحه است که حضرت می‌فرماید:

**«إن تستخلفوا عليا وما أراكم فاعلين»**

اگر علی را خلیفه قرار بدهید گرچه می‌دانم نمی‌کنید!

پیغمبر متوجه است و قضایا را می‌داند.

**«تجدوه هاديا مهديا يحملكم على المحجة البيضاء»**

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: 430، دار

النشر: دار الكتاب العربی - بیروت - 1405، الطبعة: الرابعة، ج 1، ص 64

همه شما را وادار می‌کند اصلاً به زور هم که شده زمین را فراهم می‌کند همه در راه راست حرکت کند، کسی به حق کسی ظلم نکند همه‌تان در راه هدایت قرار می‌گیرید؛ یعنی همه‌تان مسلمان و مؤمنی می‌شوید که خدای عالم می‌خواست.

**مجری:**

با آقای «هاشمی» هم صحبت کنیم ایشان از «قم» تماس گرفتند سلام دوست عزیز بفرمایید

**بیننده (آقای هاشمی - قم):**

سلام علیکم ورحمة الله، استاد «قزوینی» محترم، من يك سوالی داشتم این مطلبی که شما اول برنامه فرمودید که آقای «آلوسی» گفتند:

«ومن أجله ولاية علي كرم الله تعالى وجهه»

این مثل این‌که برای اهل تسنن قابل پذیرش نیست چون قبلش دارد می‌گوید:

«وروي بعض الإمامية عن ابن جبير عن ابن عباس يسئلون عن ولاية علي كرم الله تعالى وجهه»

آیا ما می‌توانیم این را به اهل تسنن بگوییم؟ طبیعتاً قبول نمی‌کنند؛ چون «آلوسی» از شیعه نقل قول می‌کند. می‌شود این سخن را از جای دیگر آدرس و سند بدهید؟

**مجری:**

بیننده بعدی آقای «آزادسر» از «لاهیجان» سلام علیکم بفرمایید

**بیننده (آقای آزادسر - لاهیجان):**

سلام علیکم؛ حاج آقا من از شما سوالی داشتم و ابتدا قبل از سوال یک انتقادی هم نسبت به شما داشتم اگر ناراحت نمی‌شوید خدمت شما عرض کنم.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در خدمت شما هستیم بفرمایید.

بیننده (آقای آزادسر - لاهیجان):

ممنونم، حاج آقای «قزوینی» من اولاً در مورد کتاب «مشرعة البحار» آقای «محمدآصف محسنی» سوالی داشتم می‌خواستم بدانم آیا این کتاب معتبر است یا نه؟ چون فکر کنم برخی علماء بر این کتاب یک سری انتقاداتی دارند، خصوصاً آنجایی که در کتابش می‌گوید ولایت را این‌طوری شما نمی‌توانید بگویید که حتماً در مورد ولایت امیرالمؤمنین و امامت امیرالمؤمنین است بلکه احتمال دارد ولایت در این‌جا به معنای دوستی هم باشد.

کما این‌که «علامه مجلسی» هم اگر اشتباه نکنم در کتاب «مرآة العقول» هم به همین مطلب اشاره کرده است، این دو تا سوال من بود.

اما حاج آقای عزیز! انتقاد من نسبت به حضرتعالی در این مورد است من فکر می‌کنم شیعه در مظلومیت قرار گرفته، حتی در مملکت شیعه امام زمانی هم، شیعه مظلوم است اگر اشتباه نکنم. چرا؟

ببینید اگر یک مداحی یا یک طلبه‌ای کوچک‌ترین حرفی در مورد مقدسات اهل سنت بزند توهین نه، توهین نکند اما اگر یک اشاره‌ای به مقدسات اهل سنت داشته باشد، انتقاداتی وارد بکند یک جورهایی از او بازخواست می‌کنند مثلاً به او گیر می‌دهند که شما چرا این حرف‌ها را می‌زنید و الی آخر کما این‌که سال قبل آقای مداحی که آمده بود آن حرف‌ها را در ماه رمضان زده بود نمایندگان مجلس و الی آخر چه موضع‌گیری‌هایی بر علیه آن مداح کردند.

ولی حاج آقای «قزوینی» خیلی جالب است همان سال یعنی سال 98 آقای «فضل الرحمن کوهی» پشت تریبون نماز جمعه بدترین توهین‌ها را به شیعه می‌کند؛ ولی هیچ کدام از نمایندگان مجلس یک موضع گیری که نمی‌کنند هیچ، خیلی عذرخواهی می‌کنم حاج آقا حتی شما هم یک بیانیه بر علیه ایشان ندادید، حداقل من ندیدم شاید شما بیانیه داده باشید، من سایت مؤسسه شما را چک کردم، پایگاه اطلاع رسانی شما را چک کردم ندیدم شما یک بیانیه بر علیه این آقا صادر کنید.

غیر از این که مثلاً اگر یک مشکلات سیاسی پیش بیاد که این آقا را بازداشت کنند؛ ولی در امور مذهبی زیاد حساسیت به خرج داده نمی‌شود، من عذرخواهی می‌کنم وقت شما و دوستان را گرفتم.

**مجری:**

خیلی متشکریم از این مباحثی که مطرح کردید؛ چون فرصت ما کم است می‌خواهیم از بیانات حاج آقا بیشتر استفاده کنیم.

**بزرگان شیعه، صد درصد با این کتاب مخالف هستند!**

**آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:**

در رابطه با «مشرعه البحار» تقریباً چند شب قبل جناب آقای «ابوالقاسمی» به طور مفصل صحبت کردند، اگر کسی مقدمه «مشرعه البحار» را بخواند می‌بیند که نویسنده‌اش می‌گوید من بعضی از روایاتی که به نظر خودم صحیح‌السند بوده را آوردم.

بنده خودم با این کتاب صد در صد مخالف هستم و این را به صلاح شیعه نمی‌دانم، علماء و بزرگان و مراجع هم به این کتاب اعتراض دارند، این که ایشان چه نظری داشته ما کاری نداریم

**مجری:**

«برنامه راه روشن» برای حاج آقا «ابوالقاسمی» در پنجشنبه‌ها است می‌توانند با ایشان سوال‌شان را مطرح کنند.

## آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

می‌توانند شب جمعه از ایشان این سوال را بپرسند، یا صحبت ایشان هم در سایت ولی‌عصر است، ایشان جواب خیلی محکم و قاطعی دادند.

حالا یک آقای می‌آید به این شکلی بحث را مطرح می‌کند؛ یک آقای می‌آید خلاصه «کافی» را می‌نویسد، این‌ها یک سری افراد هستند که شذوذاتی دارند و آدم‌های نادری هستند، این‌ها ملاک نیستند؛ آن‌که می‌تواند ملاک سخن شیعه باشد مرجعیت شیعه است.

شما ببینید آیت‌الله «خویی»، آیت‌الله «سیستانی»، آیت‌الله «مکارم شیرازی»، آیت‌الله «شیرازی» زنجانی»، آیت‌الله «صافی گلپایگانی» این‌ها امروز چه می‌گویند؟

ما باید عقائدمان را با مراجع عظامی که امروز پرچم شیعه دست‌شان است منطبق کنیم. بنده «قزوینی» هم اگر حرفی می‌زنم برخلاف نظر مراجع بزرگوار باشد حرف من را به تعبیر امام معصوم «[فَضْرِبُوهُ عَلَى الْجِدَارِ](#)» به دیوار بکوبید، ارزشی ندارد.

ما بارها گفتیم مرجعیت شیعه امروز پرچمدار شیعه است، خط قرمز ما است، رکن رکن شیعه، مرجعیت شیعه‌ای است که مقبولیت عامه دارند. یا شخص «مقام رهبری» صحبت‌هایی که در رابطه با ولایت و ... دارند استناداتی که ایشان بعضاً از بحث خارج‌شان پخش می‌شود ببینید این بزرگواران چه می‌گویند؟ این‌ها را ما باید ملاک قرار بدهیم.

اما در رابطه با فرمایشی که عزیزمان آقای «هاشمی» مطرح کردند من مدرك دیگری دادم، اگر دقت کرده باشید برادر بزرگوارم در رابطه با ولایت علی ابن ابیطالب که نقل شده است که در قیامت از ولایت علی سوال می‌کنند.

«ومن أجله ولاية علي كرم الله تعالى وجهه»

شما توجه کنید این کتاب «الصواعق المحرقة» است، کتابی است که علیه شیعه نوشته شده است. خود «ابن حجر» اولش می‌گوید: من دیدم در «مکه» و اطراف «مکه» جوان‌ها جذب مذهب شیعه می‌شوند، من این کتاب را نوشتم تا از جذب جوان‌ها به مذهب شیعه جلوگیری کنم. ایشان در کتابش جلد 2 صفحه 437 البته چاپ‌های مختلفی دارد می‌گوید:

«أن النبي صلى الله عليه وسلم قال (وقفوهم إنهم مسؤولون) أي عن ولاية علي»

بعد دارد:

«روي في قوله تعالى (وقفوهم إنهم مسؤولون) أي عن ولاية علي وأهل البيت»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة؛ اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: 973هـ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 437

هیچ عبارتی هم ندارد، این از ایشان است. در رابطه با «آلوسی» که حضرتعالی فرمودید برادر بزرگوارم ایشان روایت را از «ابو سعید خدری» نقل می‌کند. آن جدا است که می‌گوید:

«وروي بعض الإمامية عن ابن جبیر عن ابن عباس یسئلون عن ولاية علي كرم الله تعالى وجهه ورووه أيضا»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 23، ص 80

باز امامیه هم اگر نقل می‌کند از خود اهل سنت دارد نقل می‌کند و ایشان در آخرش خلفاء را می‌آورد معمولاً این قانون کلی است اگر یک نفر مخالف آمد مطلبی را مطرح کرد که آقا مثلاً ولایت علی چنین و چنان است و نقدی هم بر او نکرد؛ چون در مقام تحقیق است، در حقیقت اعتراف به قبول است.

یعنی وقتی نقدی نکرد، اعتراضی نکرد، این در حقیقت قبول است، بله اگر آقای «آلوسی» بیاید از بعضی امامیه نقل کند؛ یعنی مشخص است که قبول دارد، و این را رد نکرده است.

اگر واقعا از دیدگاه آقای «آلوسی» این که دارد: «ومن أجله ولاية علي كرم الله تعالى وجهه» خلاف است، وظیفه اش این بود که يك حاشیه بزند. این که حاشیه نزده و این را رد نکرده است، این خودش نشان می‌دهد که تأیید کرده است.

ایشان تمام این مسائل را مطرح می‌کند برادر بزرگوارم، و نقدی هم نمی‌کند این روایتی که بعض الامامیه نقل کردند از چه کسی نقل کردند؟ آیا از امام صادق نقل کردند؟ نه آقا می‌گویند از «ابن جبیر»، از «ابن عباس»، از «ابو سعید خدری» نقل کردند.

وقتی که از خود آن‌ها نقل می‌کند باید به ذهنش برسد، نه آقا این که از «ابو سعید» نقل کردند دروغ گفتند افتراء است. این که از «ابن عباس» نقل کردند دروغ است ما قبول نداریم. آیا این را آورده و یا نیاورده است؟ وقتی که نیاورده، یعنی قبول کرده است. و از آن طرف مدرک دیگر هم که خواستید ما برای شما ارائه کردیم.

**مجری:**

شما هر دو تا را بیان فرموده بودید. متشکرم حاج آقا استفاده کردیم، بحث خیلی شیرین و بسیار مهم است ولی وقت ما به پایان رسیده، متأسفانه وقت ما محدود هست.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

دوستان دعا کنند که ان شاء الله ما بتوانیم برنامه‌هایی مثل سابق داشته باشیم که دوساعته باشد، يك ساعت بحث ما باشد و يك ساعت هم دوستان بیننده بتوانند سوال‌هایشان را بپرسند. حتی جوان‌های اهل سنت، علمای اهل سنت روی خط بیایند سوال بپرسند ما ابائی نداریم.



ما آماده میدان هستیم، بیایند سوال کنند ما جواب می‌دهیم؛ حتی بگو مگو هم می‌کنیم این‌طوری نیست که بگوییم شما سوال کن برو من جواب می‌دهم، ما کلا تمام برنامه‌هایی که داریم افراد روی خط می‌آیند سوال می‌کنند، جواب می‌گیرند.

چه بسا از جواب ما قانع نشوند، دوباره سوال می‌کنند، ما دوباره جواب می‌دهیم؛ یعنی ارزش بحث زنده به این است که ما بیایم طرف مقابل‌مان بیاید سوال کند و اگر از حرف ما قانع نشد، ما روی خط این را نگه می‌داریم تا پاسخش را بگیرد.

الان امکانات ما يك مقدار محدود است، عزیزی از اهل سنت بیاید ما حاضریم ده دقیقه، بیست دقیقه، نیم ساعت وقت در اختیارش بگذاریم، روی خط بیاید باهم صحبت کنیم.

هم شیعیان ببینند ما چه می‌گوییم و آن‌ها چه می‌گویند، هم سنی‌ها ببینند ما چه می‌گوییم آن‌ها چه می‌گویند.

الان من دیدم جناب آقای دکتر «رفیعی» در برنامه «سمت خدا» اعتراضی به صدا و سیما کرده و گفته آقا ما این مناظره و گفتگویی که با این آقا داشتیم هیچ وقت ما این قدر بیننده نداشتیم.

بیایید يك گفتگوی بین اثنی رديف کنید ما می‌خواهیم گفتگوهایمان، گفتگوهای دو طرفه باشد، این‌طوری نشود که آقایی که سوال کرد بگوییم پاشو برو، من هم جواب می‌دهم. اگر دوستان خواستند روی خط بمانند سوالی که ما جواب دادیم قانع نشدند، دوباره بپرسند، دوباره جواب بدهیم.

**مجری:**

حاج آقا سیره شما مشخص است، چه در درس‌هایی که به صورت حضوری داشتید، و چه در شبکه‌هایی که قبلا با شما افتخار داشتیم استفاده کردیم، همیشه همین‌گونه بوده، حالا که امکانات بسیار زیادتری هم داریم از طریق اسکایپ حتی تصویری بینندگان می‌توانند روی خط بیایند و مطالب‌شان را مطرح کنند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

خیلی خوب است این هم بشارتی است، دوستان با اسکایپ به صورت تصویری می‌توانند بیایند  
تصویرشان را هم پخش بشود.

### مجری:

خیلی متشکریم از حضرتعالی که وقت گذاشتید و از محضرتان استفاده کردیم، و از یکایک شما بینندگان  
محترم تشکر می‌کنم خصوصا عزیزانی که تماس‌شان منتقل شد، برخی از دوستان تماس گرفتند نتوانستیم  
با آنها صحبت کنیم، ان شاء الله در فرصت‌های دیگر و برنامه بعد از همه‌شان استفاده خواهیم کرد.

از همه شما عزیزان بیننده تشکر می‌کنم ان شاء الله پی‌گیر برنامه خودتان باشید، شما می‌دانید که برنامه‌ها  
در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر» موجود است و به صورت کلیپ بازبینی و قابل مشاهده  
است و تکرار برنامه را هم می‌توانید ببینید.

از همه شما تشکر می‌کنم تا دیدار دیگر از همه شما التماس دعا داریم و خدا نگهدار!